

Shiite Reciters among the Fourteen Reciters and the Typology of Their Belief in Shiism¹

Majid Ebrahimiyan Kapurchal^{*}

Mohammad Jawdan^{**} Mohammad Hasan Mohammadi Mozaffar^{***}

(Received: 23/06/2020; Accepted: 08/09/2020)

Abstract

With the beginning of the revelation of the Quran, some people were called "reciters" in the Islamic society. The reciters played a key role in propagating, disseminating and explaining the Quran and Islam in Islamic societies. Therefore, it is important to know the reciters, their role, and their religious orientation. In the fourth century, the recitations of the seven reciters were chosen, then ten and fourteen reciters were added in the following years. In fact, up to the present day, the reciters and the fourteen recitations have been popular and common among Islamic societies. It can be understood that people are Shia according to the following criteria: mentioning one's name in the *historical-rejali* books as a Shiite, communication with the Imams (AS) and being praised by them, opposing the Umayyads and the Abbasids as well as quoting the narrations on the virtues of the Imams (AS). Five of the fourteen reciters are Shia. One of the results of this study is that the important role of the Shiite reciters in the Quran recitation in the Islamic world cannot be denied. The present study, therefore, examines the religious orientation of the fourteen reciters. The main focus of the research is the typology of the Shiite reciters' belief among the fourteen reciters, which is also considered the innovation of this study.

Keywords: Quran, Shiism, Recitation, Fourteen Reciters.

1. This article is taken from: Majid Ebrahimiyan Kapurchal, "Shia and the Issue of Quran Recitation in the Age of Presence", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mohammad Jawdan, Advisor: Mohammad Hasan Mohammadi Mozaffar, Faculty of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD student in Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), majid_ebrahimiyan@yahoo.com.

** Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, javdan@urd.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Shiite Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, mozaffar@samt.ac.ir.

قراء شیعی در میان قاریان چهارده گانه و گونه شناسی تشیع آنان^۱

مجید ابراهیمیان کپورچال*

محمد جاودان** محمدحسن محمدی مظفر***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸]

چکیده

با آغاز نزول قرآن، در جامعه اسلامی عده‌ای به نام «قُرّاء» مطرح شدند. قراء نقش اساسی در تبلیغ، ترویج و تبیین قرآن و اسلام در جوامع اسلامی داشتند. بنابراین، شناخت قراء، نقش آنان و گرایش مذهبی و اعتقادی‌شان مهم است. در سده چهارم، قرائت‌های قراء سبعة برگزیده شد و قراء عشره و اربعه عشر نیز در سال‌های بعد افزوده شدند. در واقع، تا عصر حاضر، قراء و قرائت چهارده گانه در میان جوامع اسلامی مشهور و متداول بوده است. بنا بر ملاک‌هایی از این دست می‌توان به شیعه بودن افراد پی برد: ذکر نام در کتب تاریخی رجالی به عنوان شیعه، ارتباط با ائمه علیهم‌السلام و تجلیل ائمه علیهم‌السلام از ایشان، مخالفت با بنی‌امیه و بنی‌عباس و نقل روایات فضائل ائمه علیهم‌السلام از میان قاریان چهارده گانه پنج نفر از آنها شیعه هستند. از نتایج این پژوهش اینکه نقش مهم قاریان شیعی را در قرائت قرآن در جهان اسلام نمی‌توان منکر شد. از این‌رو پژوهش پیش رو گرایش مذهبی قراء چهارده گانه را بررسی می‌کند. محور اصلی پژوهش بررسی گونه تشیع قراء شیعی در میان قاریان چهارده گانه است که نوآوری این تحقیق نیز محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، شیعه، قرائت، قراء چهارده گانه.

۱. برگرفته از: مجید ابراهیمیان کپورچال، شیعه و مسئله قرائت قرآن در عصر حضور، رساله دکتری شیعه‌شناسی، استاد راهنما: محمد جاودان، استاد مشاور: محمدحسن محمدی مظفر، دانشکده شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)
majid_brahimiyani@yahoo.com

** استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران javdan@urd.ac.ir
*** استادیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران mozaaffar@samt.ac.ir

مقدمه

پس از عصر نبوی، مسلمانان قرائت قرآن را از صحابه کبار، و پس از آن از تابعین، و بعد از تابعین از بزرگانی که در شهرهایشان زندگی می‌کردند آموزش دیدند. پس از گذشت آن دوره، عده‌ای فن قرائت و آموختن آن را رشته اختصاصی‌شان قرار دادند تا اینکه در مقام امامت علم قرائت قرار گرفتند و پیشوای مردم در این زمینه شدند. با شکل‌گیری تمدن اسلامی و گسترش سرزمین‌های آن و فزونی شمار مسلمانان، دامنه فعالیت قراء قرآن نیز گسترش یافت و بر تعداد قاریان افزوده شد و قاریان در مناطق مختلف جهان اسلام پراکنده شدند و طبقه‌ای پس از طبقه دیگر آمدند (معرفت، ۱۴۲۸: ۲۳۱/۲-۲۳۴).

۱. مفهوم‌شناسی «شیعه» و «تشیع»

۱.۱. «شیعه» در لغت^۱

«شیعه» اسم جنس جمعی از مصدر و ماده «شیع» است که به یکسان بر مفرد، تثنیه، جمع، مذکر و مؤنث اطلاق می‌شود. در منابع لغوی، معانی مختلفی برای آن ذکر شده است: آشکارشدن، پیروی کردن، فرقه، گروه، یاران، پیروان، جمع شدن، تبعیت کردن، شراکت داشتن، انتشاردادن، زیادشدن، نیرومندشدن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۹۰/۲-۱۹۱؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۸/۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴/۳۵۵-۳۵۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۸: ۴۷۰؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۹۴-۹۶).

۱.۲. «تشیع» در لغت

کلمه «تشیع» مصدر باب تفعّل از همان ریشه «شیع»، از لحاظ لغوی به معنای «شیعه‌بودن» است. به عبارت دیگر، «تشیع» در معنای لغوی، یعنی پذیرش باورها و افکار خاص و معین. پس «تشیع» یعنی شیعه‌شدن و پیرو کسی شدن یا کسی را همراهی و مشایعت کردن (جاودان، ۱۳۹۳: ۱۸). پس، از لحاظ لغوی، «شیعه» به افراد، و «تشیع» به عمل آن افراد از نظر اخذ و پذیرش باورها و عقاید خاص گفته می‌شود.

۱.۳. «شیعه» در اصطلاح

از سده‌های نخستین تا امروز، تعاریف مختلفی بر اساس توزیع تاریخی، مذهبی و رویکردی مطرح شده که با تحلیل آنها می‌توان تعریف دقیقی از «تشیع» به دست آورد.

همه این تعاریف ناظر به واقع و شیعه تاریخی است، یعنی شیعه آن گونه که در تاریخ ظهور کرده نه لزوماً آن گونه که مد نظر امامان بوده است. پس از نقل این تعاریف، تحلیل آنها مطرح می‌شود.

۱. ابوحاتم رازی (متوفای ۳۲۲ ه.ق.)، داعی برجسته اسماعیلی مذهب، در *الزینة*، «شیعه» را بر پایه ملاک افضلیت این گونه معرفی می‌کند: «هر کسی قائل به افضلیت و برتری امام علی بر سایر اصحاب پیامبر باشد، شیعه به شمار می‌آید» (رازی، ۲۰۱۵: ۳۵/۳).
۲. ابوالحسن اشعری (متوفای ۳۲۴ ه.ق.) درباره «شیعه» می‌گوید: «همه کسانی که علی را همراهی و مشایعت کرده و او را بر سایر اصحاب مقدم بدانند، شیعه نام دارند» (اشعری، ۱۴۰۰: ۵).

۳. شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.) شیعه را چنین تعریف می‌کند: «هر کسی قائل به نص [به وصف یا به اسم] بر امامت امام علی پس از پیامبر باشد، شیعه است» (مفید، ۱۴۱۴: ۳۸/۱).
۴. شهرستانی (متوفای ۵۴۸ ه.ق.) کوشیده است تعریفی دقیق از «تشیع» مطرح کند: «شیعیان کسانی هستند که به طور خاصی با امام علی همراهی نموده و به امامت و خلافت او بر اساس نص و وصیت (چه خفی و چه جلی) قائل باشند و بر این باور باشند که امامت از فرزندان او بیرون نمی‌رود و اگر بیرون رود یا از روی ظلم و ستم دیگران بوده یا به سبب تقیه خود آنان» (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱۴۶/۱).

۵. ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲ ه.ق.) در مقدمه شرح بخاری می‌گوید:

الف. «شیعه» در معنای ساده کسی است که افزون بر محبت امام علی، به تقدم رتبه او بر اصحاب، به جز شیخین، یعنی به تقدم آن امام بر خلیفه سوم و سایر اصحاب باور داشته باشد؛

ب. «شیعه» در معنای - به تعبیر عسقلانی - «غالی» یا «رافضی» به کسی گفته می‌شود که به تقدم امام علی بر همه اصحاب، حتی شیخین، باور داشته باشد. باور به این تقدم از نظر ابن حجر نوعی غلو و رفض است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۶۴۳/۱).

۶. عاملی، معروف به شهید ثانی (متوفای ۹۶۶ ه.ق.) و از علمای بزرگ امامیه، در تعریف «شیعه» می‌گوید: «شیعه کسی است که امام علی را همراهی کند و او را بر سایر اصحاب مقدم بداند [حتی اگر به امامت سایر امامان شیعی معتقد نباشد]» (عاملی، بی تا: ۱۶۲/۳).

۷. کامل مصطفی شیبی می‌گوید جوهر تشیع عبارت است از ایمان به حق علی (علیه السلام) در امامت و افضلیت بر همه صحابه (پس هر کس قائل به چنین باوری باشد، شیعه به شمار می‌آید) (شیبی، ۱۹۸۲: ۲۱/۱).

تعاریف نقل‌شده از صاحب‌نظران مختلف، توزیع تقریباً کاملی از دیدگاه‌ها و رویکردها را در سده‌های مختلف، از آغاز تاریخ اسلام تا عصر حاضر، در بر می‌گیرد. همه قیود را می‌توان به سه محور اصلی و به سه قید مهم ارجاع داد: ۱. قید تفضیل/اولویت؛ مراد از تفضیل، افضل و برتر دانستن امام علی (علیه السلام) از همه اصحاب است. به این معنا که پس از پیامبر اسلام، امام علی (علیه السلام) از جهات و ابعاد مختلف و متعدد، هم از نظر کمالات فردی و هم از لحاظ کمالات دینی، معنوی، اخلاقی، علمی، اجتماعی، سیاسی و روحی که داشته، برتر از دیگر اصحاب بوده است؛ ۲. تقدم در امامت و خلافت؛ در تعریف کسانی چون ابوالحسن اشعری و عاملی، قید و ملاک اصلی تشیع قول به تقدم امام علی (علیه السلام) بر سایر اصحاب در امامت و خلافت بود؛ ۳. احقیق در امامت و خلافت؛ «احق» با «افضل» متفاوت است، از این جهت که «احق» می‌تواند حقایق در خلافت و امامت را القا کند. افضلیت، دست‌کم از نظر کسانی چون معتزله، لزوماً با قول به احقیق در امامت همراه نیست. می‌توان افضل بود، ولی مستحق امامت نبود، چنان‌که ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج البلاغه می‌گوید: «الحمد لله الذی قدم المفضل علی الفاضل» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳/۱). احقیق یا بر پایه افضلیت استوار است یا بر پایه نصّ یا هر دو. وجود نصّ، نیز، منطقی، لزوماً و همواره ملازم با افضلیت حداکثری یا حتی حداقلی نیست (از قبیل اینکه حاکمی صرفاً به علت عُلقه خویشی فرزندش را حاکم پس از خود رسماً و با نصّ تعیین کند). اما در خصوص بحث ما، از نظر شیعیان، پایه نصّ همان افضلیت اکثری است و اتفاقاً همه کسانی که درباره امامت امام علی (علیه السلام) به نصّ معتقدند، به افضلیت اکثری او نیز باور دارند؛ بنابراین، قید «نصّ» را در تعریف عام «تشیع» می‌توان کنار نهاد. یعنی قید «افضلیت» ما را از قید «نصّ» بی‌نیاز می‌کند؛ زیرا آن را در دل خود دارد. از سوی دیگر، در اینجا، قید «احقیق»، افضلیت و نیز تقدم را هم شامل می‌شود. با این حساب می‌توانیم فقط با قید «احقیق»، تشیع را در معنای عام تعریف کنیم: «شیعه» کسی است که به احقیق امام علی (علیه السلام) در امامت و خلافت بلافصل پیامبر اسلام معتقد باشد. آنگاه «تشیع» عبارت است از داشتن

چنین اعتقادی. این تعریف شامل معتزله نمی‌شود، اما جریان‌های اصلی مانند زیدیه، اسماعیلیه و اثنا عشریه و جریان‌های دیگری مانند کیسانیه، واقفیه، فطحیه و تمامی فرقی را که چنین قولی درباره امام علی (علیه السلام) دارند و به استمرار آن در فرزندان او نیز قائل‌اند، شامل می‌شود (جاودان، ۱۳۹۳: ۱۸-۲۳).

۲. گونه‌شناسی تشیع

گونه‌شناسی تشیع، در واقع، طبقه‌بندی روشمند تشیع است، از جهت انواعی که در یک یا چند ویژگی وجه اشتراک دارند و در وجوه دیگر با هم متفاوت‌اند. هدف از تعریف و بحث گونه‌های تشیع بیان متنوع‌بودن و متعددبودن تشیع از لحاظ تاریخی است. بنابراین، گزارش‌های تاریخی درباره تشیع شماری از قراء و استعمال لفظ «شیعه» درباره آنها می‌تواند به معنای وجود یکی از گونه‌های تشیع در آنها باشد. گونه تشیع برخی از آنان بر اساس گزارش منابع روشن می‌شود، اما تشیع شماری از آنان هم کلی می‌ماند و شاید نتوان نوع تشیع آنها را به نحو دقیق روشن کرد. اما به هر حال نقطه اشتراک شیعیان با همه تنوعشان نخست قول به امامت حضرت علی (علیه السلام) و سپس قول به امامت اهل بیت (علیهم السلام) است، با تنوع اعتقادی که درباره اهل بیت (علیهم السلام) در میان آنان وجود دارد. اکنون با توجه به توضیحات بالا و بر اساس آنچه در تعریف «تشیع» ذکر شد، گونه‌شناسی تشیع را شرح می‌دهیم.

۲.۱. گونه‌های تشیع

۱. تشیع معنوی روحی: برخی نویسندگان تشیع معنوی روحی را اولین گروه شیعیان در تاریخ اسلام، یعنی سلمان، ابذر، مقداد و عمار دانسته‌اند. گویا این اصطلاح را نخستین بار عبدالعزیز الدوری به کار برده است. بنا بر این دیدگاه، تشیع در آغاز، نوعی همراهی معنوی با امام علی (علیه السلام) بوده که در برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) در زمان حیات آن حضرت وجود داشته است؛

۲. تشیع عراقی: عراق، به‌ویژه کوفه، از همان آغاز پایگاه شیعه بوده است و تشیع ایران و جبل‌عامل، دو پایگاه مهم دیگر شیعه، در تشیع کوفه ریشه دارد. این نشان‌دهنده قدمت تشیع در عراق بیش از هر منطقه دیگر است. در ابتدا کوفه مرکز و پایگاه تشیع

بود و سپس این مذهب، در قرن دوم و سوم، به بغداد نیز راه یافت. در قرن چهارم به دلیل وجود مراقد امامان در کربلا، نجف و کاظمین، این مناطق نیز از جهت حضور شیعه اهمیت چشمگیری یافت. در کنار حمایت‌های خاندان آل‌بویه که شیعی بودند، در قرن چهارم تشیع در عراق و به‌ویژه در مناطق مرکزی و از جمله بغداد نفوذ و گسترش بیشتری یافت. به این ترتیب، «تشیع عراقی» اصطلاحی است عام برای همه گرایش‌هایی که به شیعه تمایل دارند و به حد تشیع مصطلح نمی‌رسند. اصطلاح «شیعه امامی» یا «شیعه رافضی»، «شیعه زیدی»، «شیعه اسماعیلی» و تعبیری از این دست، تکلیف نوع تشیع اصلی و اعتقادی کوفه را مشخص می‌کند؛ اما در این میان جریان‌هایی بودند که گرایش‌های شیعی داشتند یا متشیع بودند، ولی در قالب این اصطلاحات به آنها اشاره نشده است. در کتب رجالی شیعه هم نامی از آنان برده نشده است؛ هرچند نامشان در کتب رجالی اهل حدیث و حنابله آمده و حتی گاه ثقه دانسته شده‌اند. «شیعیان تفضیلی»، نوعی از «تشیع اعتزالی»، «تشیع محدثان و ناقلان فضایل»، و حتی گاهی «تشیع حنبلی» می‌تواند بیانگر گرایش شیعی اینان باشد. اما «تشیع عراقی» اصطلاح عامی است که به طور کامل شامل همه اینها می‌شود و مشکل اصطلاح دال بر گرایش مذهبی این جریان‌ها را که از قضا بسیار به اهل بیت (علیهم‌السلام) علاقه‌مند، و ضد جریان‌های مخالف امام علی (علیهم‌السلام) و اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده‌اند، حل می‌کند؛

۳. **تشیع سیاسی:** کسانی که با امام علی (علیهم‌السلام) بیعت کردند و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان او را یاری و همراهی کردند، لزوماً شیعیان اعتقادی نبودند و یاری و همراهی آنها با امام علی (علیهم‌السلام) و مشایعت ایشان سیاسی بود. در واقع، بیعتی سیاسی با حاکم و خلیفه بود، نه آنکه مسئله اعتقاد به امامت خاص آن حضرت در کار بوده باشد؛

۴. **تشیع اعتقادی:** به آن نوع از تشیع که امامان اهل بیت در ابعاد سیاسی، کلامی، فقهی، و به عبارتی در همه شئون سیاسی و دینی محور آن باشند، «تشیع اعتقادی» می‌گویند. تلقی آنان به عنوان منبع و مرجع‌اعلای اخذ دین پس از قرآن و حجت‌دانستن سنت ایشان معنای دقیق «تشیع اعتقادی» است (شیبی، ۱۹۸۲: ۲۳/۱-۳۹؛ جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۲/۱ و ۱۲۹/۲؛ جاودان، ۱۳۹۳: ۱۸-۴۵).

با این تعریف زیدیه، اسماعیلیه و امامیه مهم‌ترین جریان‌های شیعه اعتقادی‌اند. در زیدیه، اصل مرجعیت اهل بیت و لزوم تمسک به کتاب و عترت اصل

پذیرفته شده‌ای است. اسماعیلیه و اثناعشریه در اعتقاد به امام علی (علیه السلام) تا امام صادق (علیه السلام) مشترک‌اند و در این زمینه اشتراکات درخور توجهی دارند.

۳. ملاک‌های تشیع

در بررسی ملاک‌های تشیع، در واقع باید شواهد و عوامل شیعه‌دانستن افراد بررسی شود که برخی از آنها چنین است:

۱. نقل کتب تاریخی: در کتاب‌های تاریخی ذکر شود که فلان شخص از شیعیان است؛

۲. نقل رجال سنی و شیعه: در کتب رجالی شیعه و اهل سنت بیان شود که فلان شخص شیعه است؛

۳. نسبت دادن برخی عقاید شیعی: مذهب تشیع عقاید خاص خود را دارد. بنابراین، کسانی که از عقاید آنها پیروی می‌کنند ممکن است از شیعیان باشند؛

۴. ارتباط با ائمه (علیهم السلام): ارتباط صمیمی با امامان شیعه چه از لحاظ علمی، عاطفی، معنوی و ... یا از صحابه خاص ائمه (علیهم السلام) بودن می‌تواند از ملاک‌های تشیع باشد؛
۵. تجلیل ائمه (علیهم السلام) از افراد: نقل قول‌هایی وجود دارد که ائمه (علیهم السلام) از برخی افراد در زمینه‌های مختلف علمی، دینی و ... تجلیل کرده‌اند؛

۶. مخالفت با بنی‌امیه، عثمانیه و بنی‌عباس: دوستان و پیروان ائمه اهل بیت (علیهم السلام) با بنی‌امیه، عثمانیه، بنی‌عباس و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) مخالف‌اند؛

۷. نقل روایات فضائل ائمه (علیهم السلام): نقل کردن روایات فضائل ائمه (علیهم السلام) در کنار دیگر شواهد ذکر شده می‌تواند از ملاک‌های تشیع شمرده شود؛

۸. کوفی بودن: اهل شهر کوفه بودن در کنار دیگر شواهد ذکر شده می‌تواند از ملاک‌های تشیع باشد.

با توجه به شواهد و عوامل تأثیرگذار در ملاک‌های تشیع، اگر فردی حتی برخی از این ویژگی‌ها را در کنار هم داشته باشد، می‌توان او را «شیعه» نامید.

۴. گونه‌شناسی تشیع قاریان چهارده گانه

۱. ابن‌عامر (متوفای ۱۱۸ ه.ق.): نامش عبدالله و کنیه‌اش ابوعمران، ملقب به

یحصبی است (خویی، ۱۳۸۹: ۱۲۶). ابن عامر بزرگ‌شده خاندان اموی بود (معرفت، ۱۴۲۸: ۲۲۶/۲-۲۳۱). هیثم بن عمران می‌گوید عبدالله بن عامر در دوران خلافت ولید بن عبدالملک، رئیس اهل مسجد (دمشق جامع اموی) بود. ابو عمرو دانی می‌گوید عبدالله بن عامر پس از بلال بن ابی‌الدرداء، قضاوت شام را به عهده گرفت (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۲۷۴/۵؛ خویی، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

الف. ابن عامر تربیت یافته خاندان اموی است؛

ب. در دوران خلافت امویان مسئولیت داشته است؛

ج. در منابع تاریخی، شیعه معرفی نشده است.

بنابراین، نشانه‌های تقریب به تشیع در او وجود ندارد. با این اوصاف، ابن عامر

در هیچ‌کدام از فرق و گونه‌های تشیع نمی‌تواند قرار گیرد.

۲. ابن کثیر (۴۵-۱۲۰ ه.ق.): نامش عبدالله، فرزند کثیر بن عمرو بن عبدالله بن زاذان بن فیروزان بن هرمز مکی، و ایرانی‌الاصل است (خویی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). ابن کثیر در قرائت، تابع نقل و مخالف رأی بود (اندرابی، ۱۴۰۷: ۶۵). «عاصم، کسائی و حمزه بدون شک و شبهه شیعه هستند، اما مابقی امامان قرائت از حجاز و شام همه عدلی‌مذهب هستند» (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۳۸). بخاری و مسلم در کتاب خودشان (صحیحین) از وی حدیث نقل کرده‌اند و شافعی نیز قرائت او را ستوده است (حجتی، ۱۳۸۹: ۳۱۷).

الف. در منابع تاریخی، ابن کثیر شیعه معرفی نشده است؛

ب. در منابع حدیثی اهل سنت، از ابن کثیر نقل حدیث شده و وی را ستوده‌اند.

دلیل ستودن بزرگان اهل سنت همچون بخاری، مسلم و شافعی می‌تواند همسوبودن گرایش مذهبی ابن کثیر به سمت اهل سنت باشد. در واقع، نشانه‌های تقریب به تشیع در او کم است یا وجود ندارد. بنابراین، ابن کثیر را نمی‌توان در فرق و گونه‌های تشیع قرار داد.

۳. عاصم (متوفای ۱۲۷ ه.ق.): از تاریخ تولد عاصم اخبار دقیقی وجود ندارد، اما وفات وی در سال ۱۲۷ است. در واقع از قراء قرن اول و دوم به حساب می‌آید. امامت قراء کوفه بعد از سلمی به عهده عاصم بود. سند قرائت عاصم به دو وجه معروف است: حفص از عاصم و عاصم از ابو‌عبدالرحمن سلمی و او نیز از امام علی (علیه السلام) ابوبکر بن عیاش از عاصم و عاصم از زر بن حبیش و او نیز از عبدالله بن مسعود. اشخاصی چون عبدالجلیل قزوینی، قاضی نورالله شوشتری، حلی، صدر، امین و معرفت، به

شیعه بودن عاصم اشاره کرده‌اند. مرجع استناد تشیع عاصم نزد شوشتری، حلی، صدر و امین همگی به عبدالجلیل قزوینی می‌رسد. اما از طرف دیگر ذهبی، ابن حبان و خویی اشاره دارند که عاصم از طرفداران عثمان و عثمانی‌مذهب است. از دیدگاه علمای اهل سنت و شیعه، عاصم شخصی ثقه و معتمد است (قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۵: ۵۱/۱-۵۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۴۰/۵؛ شوشتری، ۱۳۷۷: ۱/۱-۵۴۹-۵۴۸؛ ابن جزری، ۱۴۲۷: ۳۴۸/۱؛ خویی، ۱۳۸۹: ۱۳۰؛ صدر، ۱۳۷۵: ۳۴۶؛ امین، ۱۴۰۳: ۱/۱-۱۳۱؛ معرفت، ۱۴۲۸: ۲۲۶/۲-۲۳۱). بنابراین:

الف. عاصم اهل کوفه است؛

ب. بیشتر منابع تاریخی و رجالی عاصم را شیعه می‌دانند؛

ج. اما اندک منابع تاریخی عاصم را از طرفداران عثمان و عثمانی‌مذهب می‌دانند؛

د. عاصم در عصر حضور ائمه زندگی می‌کرده است. به‌وضوح در جایی مطرح نشده که وی از اصحاب یا شاگردان خاص ائمه شیعه باشد.

بنابراین، در تشیع عاصم کمی تردید وجود دارد؛ اما تعداد منابعی که عاصم را شیعه می‌دانند بیشتر از منابعی است که وی را شیعه نمی‌دانند. پس کفه ترازو به سمت شیعه بودن وی است؛ ولی در گونه تشیع او باید گفت عاصم در مقام قاری در عصر حضور ائمه (علیهم‌السلام) می‌زیسته و شهرت داشته و نامش در زمره اصحاب امامان شیعه نیست؛ پس با فرض قبول شیعه بودن و عثمانی نبودنش، او را نمی‌توان شیعه اعتقادی دانست، بلکه می‌توان وی را از گونه تشیع عراقی نامید. زیرا گونه «تشیع عراقی» اصطلاحی عام برای همه گروه‌هایی است که به شیعه گرایش و تمایل دارند. پس عاصم شیعه، و از گونه تشیع عراقی است.

۴. ابوعمرو بن علاء مازنی: وی در مکه در سال ۶۸ ه.ق. به دنیا آمده و در سال ۱۵۴ ه.ق. از دنیا رفته است. ابوعمرو بن علاء مازنی، در اواخر قرن اول تا اواسط قرن دوم هجری قمری زندگی می‌کرد و از قراء قرن اول و دوم به حساب می‌آید. وی از قراء مشهور اهل بصره و رئیس القراء اهل بصره بود. در قرائات، عربی، شعر و ... استاد بود. ابن انباری اشاره دارد که ابوعمرو به علت اعتقاداتش از حجاج گریزان بود. او و پدرش از ترس حجاج به مکه و مدینه گریختند، زیرا حجاج با خاندان علی (علیهم‌السلام) دشمنی داشت و در صدد دستگیری وی برآمده بود. علت آن ممکن است دشمنی حجاج با تفکرات و

اعتقادات دینی ابوعمرو باشد. سید حسن صدر، از علمای معاصر، و محمدهادی معرفت نیز ابوعمرو را شیعه می‌دانند. برقی در *المحاسن* به این روایت تقیه اشاره کرده است که امام صادق علیه السلام به ابوعمرو فرمود *نه‌دهم دین در تقیه است و کسی که تقیه ندارد دین ندارد*. از این رو می‌توان چنین برداشت کرد که ابوعمرو در اظهار ولایت خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تقیه می‌کرد. اما برخی منابع نیز ابوعمرو را از اهل سنت معرفی کرده‌اند و نوشته‌اند که در مناظره ابوعمرو با متکلم معتزلی در مسئله وعید، دیدگاه مرجئه را تأیید کرده است (ذهبی، ۱۴۱۵: ۵۸/۱-۶۲؛ ابن جزری، ۱۴۲۷: ۲۹۲/۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۱۸۰/۱۲؛ خویی، ۱۳۸۹: ۱۳۴؛ معرفت، ۱۴۲۸: ۲۲۶/۲-۲۳۱؛ حجتی، ۱۳۸۹: ۳۴۲؛ لغوی، ۱۴۳۰: ۱۷؛ ابن انباری، ۱۴۲۴: ۱۷؛ پاکتچی، ۱۳۶۷: ۶۴-۶۶، مدخل «ابوعمرو بن علاء»). بنابراین:
الف. برخی منابع تاریخی و رجالی ابوعمرو بن علاء را شیعه، و تعدادی هم او را از اهل سنت و مرجئه می‌دانند؛

ب. گفته شده اعتقادات ابوعمرو بن علاء به تشیع، علت‌گریزان‌بودن وی از حجاج بوده است؛

ج. ابوعمرو بن علاء از شاگردان امام صادق علیه السلام است؛

د. گویا ابوعمرو بن علاء در مذهب خویش تقیه داشته است.

پس شیعه‌بودن ابوعمرو ارحیح است. در نهایت وی شیعه، و از گونه تشیع اعتقادی است.
۵. حمزه بن حبيب زيات: وی در سال ۸۰ ه.ق. به دنیا آمد و در سال ۱۵۶ ه.ق. درگذشت. از بزرگان و قاریان کوفه و یکی از قراء سبعة است. در اواخر قرن اول تا اواسط قرن دوم زیسته و از شاگردان و اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و قرائت قرآن را از ایشان آموخته است. علمای شیعه و اهل سنت او را شیعه می‌دانند (ذهبی، ۱۴۱۵: ۶۷/۱-۶۶/۱؛ ابن جزری، ۱۴۲۷: ۲۶۱/۱-۲۶۲؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۱۹۰/۱؛ خویی، ۱۳۸۹: ۲۶۶/۶؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۳-۲۱۲ و ۲۳۸؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۲۷/۳؛ معرفت، ۱۴۲۸: ۲۲۶/۲-۲۳۱). با توجه به ملاک‌های تشیع:

الف. حمزه بن حبيب اهل کوفه است؛

ب. وی از شاگردان و اصحاب امام صادق علیه السلام است؛

ج. وی قرائت قرآن را از امام صادق (علیه السلام) فرا گرفته است؛

د. حمزه در منابع تاریخی و رجالی، شیعه معرفی شده است.

بنابراین، می‌توان حمزه بن حبیب را شیعه امامی و از گونه تشیع اعتقادی دانست.

۶. علی بن حمزه الکسائی: وی متولد ۱۲۰ ه.ق. و متوفای ۱۸۷/۱۸۹ ه.ق. است. علمایی مانند عبدالجلیل قزوینی قائل به شیعه‌بودنش هستند. ریاست قراء کوفه بعد از حمزه، به وی رسیده است. چهار بار بر حمزه قرائت کرده است. کسائی در حدیث از شاگردان امام صادق (علیه السلام) است. استادان کسائی در قرائت حمزه زیات، محمد بن عبدالرحمن بن ابی‌لیلی، ابوبکر بن عیاش و اسماعیل، اعمش، زائده و سلیمان بن ارقم بوده‌اند. استاد وی در لغت خلیل بن احمد بوده است. استادان وی که در حدیث و قرائت اشتراک داشته‌اند ابان بن تغلب و حجاج بن ارطاه هستند (ابن‌مجاهد، ۱۹۷۲: ۷۸/۱؛ ذهبی، ۱۴۱۵: ۷۲/۱-۷۷؛ قزوینی، ۱۳۵۸: ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۳۸؛ ابن‌جزری، ۱۴۲۷: ۵۳۵/۱؛ خوبی، ۱۳۸۹: ۱۴۱ و ۱۴۲). با توجه به ملاک‌های تشیع:

الف. کسائی اهل کوفه است؛

ب. او در منابع تاریخی و رجالی، شیعه معرفی شده است؛

ج. او از اصحاب امام صادق (علیه السلام) است؛

بنابراین، کسائی را می‌توان شیعه امامی و از گونه تشیع اعتقادی نامید.

۷. نافع (۱۶۹ یا ۱۷۶ ه.ق.): فرزند عبدالرحمن بن ابی‌نعیم است. سعید بن منصور می‌گوید از مالک بن انس شنیدم که می‌گفت قرائت اهل مدینه، سنت و شیوه پیامبر است. از او پرسیدند: «منظور قرائت نافع است؟». گفت: «آری» (ابن‌جزری، ۱۴۲۷: ۳۳۰/۲؛ خوبی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). محمدباقر حجتی می‌گوید در کتب رجالی شیعی، تا آنجا که نگارنده مراجعه کرده، از این قاری نامی به میان نیامده است (حجتی، ۱۳۸۹: ۳۱۳).

الف. در منابع تاریخی و رجالی، نام نافع به عنوان شیعه مطرح نشده است؛

ب. ستایش بزرگان اهل سنت مانند مالک بن انس نشان از همسوی بودن گرایش

مذهبی نافع به اهل سنت است.

بنابراین، نشانه‌های تقریب به تشیع در نافع به اندازه تشیع عراقی (شیعه عام) هم

وجود ندارد. در نهایت، نافع را نمی‌توان در یکی از فرق و گونه‌های تشیع قرار داد.

۸. خلف بن هشام (۱۵۰-۲۲۹ ه.ق.): کنیه‌اش ابومحمد و از قبیله اسد و فرزند هشام بن ثعلب و از اهالی بغداد بوده است (خویی، ۱۳۸۹: ۱۳۷). خلف مردی عابد و فاضل بود و می‌گفت من چهل سال از نمازهایم را اعاده کردم، زیرا در این چهل سال بر طبق شیوه کوفیان شراب می‌نوشیدم. مراد وی فتوای ابوحنیفه است که خوردن شراب کشمش را مجاز می‌دانست. بسیاری از محدثان اهل سنت چون احمد بن حنبل، یحیی بن معین و احمد بن شعیب نسایی وی را توثیق کرده و راست‌گو خوانده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۱۸/۸-۳۲۲؛ مجموعه مؤلفین، ۲۰۰۱: ۲۴۲/۱). از مشهورترین مشایخ وی در حدیث، مالک بن انس و ابو عوانه هستند (ابن‌سعد، بی‌تا: ۳۴۸/۷). محدثان بسیاری از اهل سنت از وی حدیث شنیده‌اند و روایات وی را نقل کرده‌اند. بیشتر روایات وی فقهی است که در ابواب مختلف متون روایی اهل سنت نقل شده است، از جمله مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم و سنن ابوداود سجستانی (ذهبی، ۱۴۰۵: ۵۷۷/۱۰). بنابراین:

الف. خلف در دوره حضور ائمه (علیهم‌السلام) زندگی می‌کرده است. اگر از اصحاب امامان و شیعه می‌بود، می‌باید طبق فقه شیعه عمل می‌کرد، اما به اقرار خود چهل سال طبق فتوای ابوحنیفه عمل کرده است. بنابراین، مدت چهل سال حنفی‌مذهب و اهل سنت بوده است؛ ب. وجود بسیاری از روایات فقهی وی، آن هم در متون روایی بزرگان اهل سنت، همچون مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم و سنن ابوداود سجستانی نشان از همسوی بودن گرایش مذهبی وی با اهل سنت است. بنابراین، نشانه‌های تقریب به تشیع در خلف وجود ندارد.

در نهایت او را نمی‌توان در یکی از فرق و گونه‌های تشیع قرار داد.

۹. یعقوب (۲۰۵ ه.ق.): فرزند اسحاق بن زید بن عبدالله و کنیه‌اش ابومحمد، آزادشده قبیله حضرم و منسوب به آنان و اهل بصره است (خویی، ۱۳۸۹: ۱۴۴). احمد بن حنبل و ابوحاتم او را در حدیث، راست‌گو می‌دانند (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۳۸۲/۱۱؛ حجتی، ۱۳۸۹: ۳۵۴) و ابن‌حِبَّان نیز او را در ثقات آورده است (ابن‌حِبَّان، ۱۳۹۳: ۲۸۳/۹). بنابراین:

الف. در کتب رجالی شیعه نامی از یعقوب بن اسحاق حضرمی نیامده است؛

ب. در کتب رجالی اهل سنت از وی نام برده‌اند و تأییدش کرده‌اند؛

ج. بزرگان اهل سنت همچون احمد بن حنبل او را در حدیث ستوده‌اند.

پس نشانه‌های تقریب به تشیع در یعقوب بن اسحاق حضرمی بسیار کم است یا وجود ندارد. لذا باید او را از اهل سنت دانست.

۱۰. ابوجعفر مخزومی (۱۳۰ ه.ق.): کنیه‌اش ابوجعفر و منسوب به طائفه مخزوم است. در قرائت قرآن امام و پیشوای اهل مدینه بود. از این رو به او قاری می‌گفتند. او ثقه و معتمد بود، ولی حدیث کم نقل می‌کرد. ابن‌ابی‌حاتم می‌گوید از پدرم درباره ابوجعفر پرسیدم. گفت احادیثش نیکو است. وی به سال ۱۳۰ ه.ق. در مدینه درگذشت (ابن جزری، ۱۴۲۷: ۳۸۲/۲؛ خویی، ۱۳۸۹: ۱۴۶). ابوجعفر مخزومی از ابوهریره و ابن‌عباس روایت دارد (بخاری، بی‌تا: ۳۵۴/۸؛ مزی، ۱۴۰۰: ۲۰۰/۳۳). وی مدتی در ملازمت عبدالله بن عمر بوده و روایاتی از او دارد (ابن‌سعد، بی‌تا: ۲۹۷/۵؛ بخاری، بی‌تا: ۳۵۴/۸؛ پاکتچی، ۱۳۶۷: ۳۰۰-۳۰۲). بنابراین:

الف. ابوجعفر مخزومی ملازم عبدالله بن عمر بود؛

ب. نقل حدیث از ابوهریره دارد.

این شواهد نشان می‌دهد ابوجعفر، که شهره قرائت قرآن در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام است، از شیعیان نیست. زیرا ملازمت عبدالله بن عمر و نقل حدیث از ابوهریره او را از نشانه‌های شیعیان دور می‌کند. در نهایت، ابوجعفر را نمی‌توان در یکی از فرق و گونه‌های تشیع قرار داد.

۱۱. ابوالحسن یسار بصری (۲۱-۱۱۰ ه.ق.): در مجموع، دو دیدگاه کاملاً متفاوت درباره حسن بصری و موضع و اعتقاد او درباره ائمه علیهم‌السلام وجود دارد: نخست، گروهی که در رد دیدگاه‌هایش نگاشته‌اند، از جمله: ملا محمدطاهر قمی (متوفای ۱۰۹۸ ه.ق.): شیخ ابوعلی حائری رجالی (متوفای ۱۲۱۶ ه.ق.)؛ ابومحمد فضل بن شاذان نیشابوری (متولد ۲۶۰ ه.ق.) که کتابی با نام *الرد علی الحسن البصری فی تفضیل الملائکة علی الانبیاء* نوشته، و در آن حسن بصری را نقد کرده است؛ کشی در *رجال* و شیخ ابومنصور احمد بن علی طبرسی در *الاحتجاج* که گزارش‌ها و روایت‌هایی در نکوهش او آورده‌اند (شمس، ۱۳۹۶: مدخل «حسن بصری»). اما گروه دوم، برخلاف دیدگاه پیشین، او را از بزرگان و خاصان اصحاب علی علیه‌السلام شمرده‌اند و در فضایل و کمالاتش سخن گفته‌اند و احادیث متعددی به نقل از او آورده‌اند. معروف‌ترین افراد این گروه عبارت‌اند از: شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.)، شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.)، سید مرتضی

(متوفای ۴۳۶ ه.ق.)، سید رضی (متوفای ۴۰۶ ه.ق.)، شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.)، ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ ه.ق.)، محمد بن ادریس حلی (متوفای ۹۸۵ ه.ق.)، ابن طاووس (متوفای ۶۴۶ ه.ق.)، خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۷۲ ه.ق.)، شیخ بهایی (متوفای ۱۰۳۰ ه.ق.) و ملاصدرا (متوفای ۱۰۵۰ ه.ق.) بسیاری از عالمان شیعی متأخر نیز از او به بزرگی یاد کرده‌اند و ضمن رد دیدگاه‌های مخالفان و انتقاد از جنبه‌های درایی و رجالی روایات مذکور علیه حسن بصری، سخنان آنان را بیشتر شبیه به افسانه دانسته‌اند (معرفت، ۱۳۷۹: ۳۳۹/۱-۳۵۱). حسن بصری امامان شیعه را ستوده است. مثلاً از علی علیه السلام به عنوان بهترین فرد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و از همسر و دو فرزندش به عنوان بهترین کسان پس از وی یاد کرده است (مفید، ۱۴۰۵: ۲۱۵-۲۲۱). برخی معتزلیان، از جمله قاضی عبدالجبار، ابوالقاسم بلخی و ابن مرتضی (نک: امین، ۱۴۰۳: ۶۹/۷)، و نیز برخی اشاعره، از جمله شهرستانی (شهرستانی، ۱۳۶۴: ۴۷/۱؛ نیز نک: ذهبی، بی‌تا: ۵۷۹/۴-۵۸۰)، حسن بصری را از بزرگان مذهب کلامی خود دانسته‌اند و کوشیده‌اند نظریات کلامی‌اش را موافق با مذهب خویش تفسیر کنند (شمس، ۱۳۹۶: مدخل «حسن بصری»). با توجه به اختلاف نظرهای متعدد درباره حسن بصری تشیع وی اثبات نشده و بر فرض قبول تشیع او با توجه به برخی قرائن، در نهایت وی را باید متشیع محدث دانست که گاه فضایل امام علی علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام را نقل می‌کردند.

۱۲. محمد بن عبدالرحمن السهمی ابن مُحیصِن (متوفای ۱۲۳ ه.ق.): نام او محمد بن عبدالله بن مُحیصِن و عبدالرحمن بن محمد بن مُحیصِن نیز ذکر شده است (ابن مجاهد، ۱۴۰۰: ۶۵/۱). برخی از رجالیان همچون ابن معین، ابن عدی، ابن محیصن قاری را با ابن محیصن محدث، راوی در سند حدیث «قاربوا و سدّوا»، یکی دانسته‌اند (دارقطنی، ۱۴۰۶: ۲۹۹/۲). ابن مدینی به نقل از سفیان بن عیینه که راوی مستقیم حدیث از ابن محیصن بوده، نیز این نظر را تأیید کرده است (ذهبی، ۱۴۱۵: ۸۲/۱). در منابع حدیثی تصریح شده است که نام کامل راوی حدیث «قاربوا و سدّوا»، ابوحفص عمر بن عبدالرحمن بن محیصن سهمی است (ترمذی، ۱۳۸۱: ۲۴۸/۵). مسلم و ترمذی حدیث او را صحیح دانسته‌اند (نیشابوری، ۱۹۵۵: ۱۹۹۳/۳؛ ترمذی، ۱۳۸۱: ۲۴۸/۵). از نظر رجالی، ابن حبان وی را در ثقات آورده است (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۳۶۹/۵).

الف. در کتب رجال شیعه نامی از ابن محیسن وجود ندارد؛
ب. در منابع رجال اهل سنت ابن محیسن تأیید شده است؛
ج. در منابع تاریخی و حدیثی بزرگان اهل سنت همچون احمد بن حنبل، مسلم، ترمذی، ابن حبان، دارقطنی از ابن محیسن به عنوان قاری و محدث نام برده شده و تأیید شده است.

بنابراین، احتمال اهل سنت بودن ابن محیسن بیشتر از تشیع وی است و نمی توان وی را در یکی از فرق و گونه های تشیع قرار داد.

۱۳. یزیدی (متوفای ۲۰۲ ه.ق.): یحیی بن مبارک قاری اهل بصره بود که در بغداد سکونت داشت. وی تألیفات بسیاری دارد، از جمله: *البنوادر، المقصور والممدود، مناقب بنی عباس* و *مختصر فی النحو* که برای فرزندان مأمون تألیف کرده است (مجموعه نویسندگان، بی تا: ۳۷۳۵/۱). و از آن رو به یزیدی معروف شد که ندیم و مصاحب یزید بن منصور حمیری، دایی مهدی عباسی، و مؤدب فرزند یزید بوده است. سپس به هارون الرشید پیوست و مؤدب مأمون شد (حجتی، ۱۳۸۹: ۳۴۵). بنابراین:

الف. یزیدی کتابی در مناقب بنی عباس تألیف کرده است؛

ب. وی مؤدب مأمون بوده است؛

ج. وی در دربار بنی عباس فعالیت داشته است.

پس نشانه های تقریب به تشیع در وی وجود ندارد. در نهایت، یزیدی را نمی توان در یکی از فرق و گونه های تشیع گنجانند.

۱۴. اعمش (متوفای ۱۴۸ ه.ق.): سلیمان بن مهران الاعمش در سال ۶۱ ه.ق. به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ ه.ق. از دنیا رفت. وی در اواخر قرن اول تا اواسط قرن دوم زندگی کرده است. در واقع، از قراء قرن اول و دوم به حساب می آید. اعمش هم از قراء بزرگ قرآن بود هم از محدثان بزرگ، و احادیث بسیاری حفظ بود. اکثر منابع اهل سنت او را شیعه می دانند. در منابع شیعی نیز روایات متعددی از اعمش در مسئله امامت و اثبات امامت امام علی علیه السلام از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده است. وی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده است (ذهبی، ۱۴۱۵: ۵۴-۵۵؛ ابن جزری، ۱۴۲۷: ۳۱۵-۳۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۲۱۵/۱؛ ابن داوود، بی تا: ۱۰۶/۱؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۵: ۲۲۳/۴؛ امین، ۱۴۰۳: ۱۲۶/۱؛ حر عاملی، ۱۴۲۲: ۱۳۳/۱). بنا بر ملاک های تشیع:

- الف. سلیمان بن مهران اعمش اهل کوفه است؛
ب. در منابع تاریخی و رجالی شیعه و اهل سنت وی را شیعه معرفی کرده‌اند؛
ج. سلیمان بن مهران اعمش در مسئله امامت، و نیز امامت امام علی (علیه السلام) روایاتی نقل کرده است؛
د. وی از شاگردان و اصحاب امام صادق (علیه السلام) است.
پس او را باید شیعه امامی و از گونه تشیع اعتقادی نامید.

نتیجه

ابن عامر، ابن کثیر، نافع، خلف، یعقوب، ابوجعفر، ابن‌محصن و یزیدی در هیچ‌کدام از فرق و گونه‌های تشیع نمی‌گنجد. حسن بصری نیز تشییش اثبات نشده است. اما عاصم شیعه، و از گونه تشیع عراقی است. ابوعمر و شیعه امامی، و از گونه اعتقادی است. حمزه شیعه امامی، و از گونه اعتقادی است. کسائی شیعه امامی و از گونه اعتقادی است. سلیمان بن مهران اعمش شیعه امامی، و از گونه اعتقادی است. در میان قراء چهارده‌گانه، پنج نفر از قراء شیعه‌اند که عبارت‌اند از: عاصم، ابوعمر و حمزه، کسائی، اعمش.

با توجه به نقش مهم قراء سبعة در ترویج و تبلیغ قرائت قرآن در جوامع اسلامی، قرن‌ها است قرائات هفت‌گانه از قاریان هفت‌گانه در جوامع اسلامی مشهور و معروف است. در این میان چهار نفر از قراء هفت‌گانه نیز شیعه‌اند: ابوعمر و بن‌علاء از صحابه امام صادق (علیه السلام) است؛ حمزه بن حبيب از اصحاب خاص امام صادق (علیه السلام) است و قرائت قرآن را از ایشان فرا گرفته؛ کسائی از شاگردان و اصحاب امام صادق (علیه السلام) است؛ عاصم نیز منتسب به شیعه و از گونه تشیع عراقی است؛ همچنین، اعمش از شاگردان خاص امام صادق (علیه السلام) و از قاریان چهارده‌گانه است. در واقع، نمی‌توان به‌سادگی از نقش مهم قاریان شیعی اصحاب ائمه (علیهم السلام) در امر قرائت قرآن در جهان اسلام عبور کرد، بلکه با این تحقیق تبلور شیعه در مسئله مهم قرائت قرآن در جهان اسلام در قرون متعدد نمایان‌تر می‌شود.

پی نوشت

۱. موضوع تعریف تشیع در مقاله «معنا و مبنای تشیع» به شکل کامل تری از دیگر آثار به گردآوری، توزیع تاریخی، مذہبی و رویکردی تعاریف تشیع مبادرت کرده و به خوبی این تعاریف و ملاکات آنها را مطرح کرده است. لذا در این قسمت، این مقاله را مبنا و محور بحث قرار داده ایم و از آن بسیار بهره برده ایم. در عین حال، به منابع اصلی نیز مراجعه کرده و به آنها نیز ارجاع داده ایم.

منابع

- ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۴۰۴). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبۃ آیۃ اللہ المرعشی النجفی، ج ۱.
- ابن انباری، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۲۴). نزہۃ الالباء فی طبقات الادباء، بیروت: المکتبۃ العصریۃ.
- ابن جزری، شمس الدین محمد (۱۴۲۷). غایۃ النہایۃ فی طبقات القراء، بیروت: دار الکتب العلمیۃ، ج ۱ و ۲.
- ابن حبان، محمد (۱۳۹۳). الثقات، حیدرآباد: دائرۃ المعارف العثمانیۃ، ج ۵ و ۹.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۲۵). تہذیب التہذیب، بیروت: دار الصادر، ج ۱، ۳، ۴، ۵، ۱۱ و ۱۲.
- ابن داوود، حسن بن علی (بی تا). کتاب الرجال، قم: منشورات الشریف الرضی، ج ۱.
- ابن سعد (بی تا). طبقات الکبری، بیروت: دار الصادر، ج ۵ و ۷.
- ابن مجاہد، احمد بن موسی (۱۴۰۰/۱۹۷۲). السبعۃ فی القرائات، تحقیق: دکتر شوقی ضیف، مصر: دائرۃ المعارف، ج ۱.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار الصادر، الطبعة الثالثة، ج ۸.
- اشعری، ابو الحسن (۱۴۰۰). مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، ویسبادن: فرانس اشتاینر، الطبعة الثالثة.
- امین، محسن (۱۴۰۳). اعیان الشیعۃ، بیروت: بی نا، ج ۱ و ۷.
- اندرابی، احمد بن ابی عمر (۱۴۰۷). قرائات القراء المعروفین، تحقیق: احمد جنایی، بیروت: بی نا.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا). التاريخ الکبیر، بیروت: بی نا، ج ۳.
- پاکتچی، احمد (۱۳۶۷). دائرۃ المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرۃ المعارف بزرگ اسلامی.
- ترمذی، ابو عیسی (۱۳۸۱/۱۹۵۵). سنن ترمذی، قاہرہ: دار الحدیث، ج ۵.
- جاودان، محمد (۱۳۹۳). معارف کلامی شیعہ: کلیات امامت (معنا و مبنای تشیع)، قم: دانشگاه ادیان و مذہب، و تهران: سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جعفریان، رسول (۱۳۸۵). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، قم: مؤسسہ انصاریان، ج ۱ و ۲.
- حجتی، محمدباقر (۱۳۸۹). پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و نهم.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۲). اثبات الہدایۃ، بیروت: مؤسسۃ الاعلمی، الطبعة الاولى.
- خطیب بغدادی، ابی بکر احمد بن علی (۱۴۱۷). تاریخ بغداد، تحقیق: عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیۃ، ج ۸.

- خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). *البيان فی تفسیر القرآن*، تهران: خرسندی.
- دارقطنی، ابوالحسن (۱۴۰۶). *ذکر أسماء التابعین و من بعدهم ممن صححت روايته عن الثقات عند البخاری و مسلم*، بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیة، ج ۲.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۵). *تاریخ الاسلام*، تحقیق: عبد السلام تدمری، طرابلس: بی نا، ج ۱۰.
- ذهبی، شمس الدین (بی تا). *سیر اعلام النبلاء*، بی نا: طبعة الرسالة، ج ۴.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۹۹۵/۱۴۱۵). *معرفة القراء الکبار علی طبقات والاعصار*، تحقیق: الدكتور طیار التي قولاج، استانبول: بی نا، ج ۱.
- رازی، ابی حاتم احمد بن حمدان (۲۰۱۵). *کتاب الزینة*، محقق: سعید الغانمی، بیروت: الجمل، ج ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۸). *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شمس، محمدجواد (۱۳۹۶). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- شوشتری، قاضی نورالله (۱۳۷۷). *مجالس المؤمنین*، تهران: اسلامیة، ج ۱.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (۱۳۶۴). *الملل والنحل*، تحقیق: محمد بدران، قم: شریف الرضی، چاپ سوم، ج ۱.
- شیبی، کامل مصطفی (۱۹۸۲). *الصلاة بین التصوف والتشیع*، بیروت: دار الاندلس، الطبعة الثالثة، ج ۱.
- صدر، سید حسن (۱۳۷۵). *تأسيس الشیعة لعلوم الاسلام*، بی جا: اعلمی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ج ۴.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۵). *رجال الطوسی*، تحقیق: جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ج ۱.
- عاملی، زین الدین بن علی (بی تا). *شرح لمعه*، بی نا: بی جا، ج ۳.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). *کتاب العین*، قم: مؤسسة دار الهجرة، الطبعة الاولى، ج ۲.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ ششم.
- قزوینی، عبدالجلیل بن ابوالحسن (۱۳۵۸). *التفصیح*، مصحح: جلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- لغوی، عبد الواحد بن علی (۱۴۳۰). *مراتب النحویین*، به کوشش: محمد ابوالفضل ابراهیم، صیدا: مکتبة العصریة.
- مجموعه مؤلفین (۲۰۰۱). *موسوعة اقوال ابی الحسن الدارقطنی فی رجال الحدیث و علله*، بی نا، ج ۱.
- مجموعه نویسندگان (بی تا). *فرهنگ نامه علوم قرآن*، تهران: دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱.
- مزی، جمال الدین (۱۴۰۰). *تهذیب الکتب فی اسماء الرجال*، تحقیق: بشار معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، ج ۳۳.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ج ۱.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۸). *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ج ۲.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۰۵). *الفصول المختارة من العیون والمحاسن*، بیروت: بی نا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *اوائیل المقالات*، بیروت: بی نا.
- نیشابوری، مسلم (۱۹۵۵). *صحیح مسلم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳.

References

- A Group of Authors. 2001. *Mosuah Aghwal Abi al-Hasan al-Dar Ghotni fi Rejal al-Hadith wa Elaloh (Encyclopedia of the Sayings of Abi al-Hasan al-Darghotni in the Transmitters of Hadith and Their Causes)*, Beirut: n.pub, vol. 1. [in Arabic]
- A Group of Authors. n.d. *Farhangnameh Olum Quran (Dictionary of Quranic Sciences)*, Tehran: Islamic Propaganda Office, vol. 1. [in Farsi]
- Ameli, Zeyn al-Din ibn Ali. n.d. *Sharh Lom'ah*, n.p: n.pub, vol. 3. [in Arabic]
- Amin, Mohsen. 1983. *Ayan al-Shia (Shiite Luminaries)*, Beirut: n.pub, vols. 1 & 7. [in Arabic]
- Andarabi, Ahmad ibn Abi Omar. 1987. *Gheraat al-Ghorra al-Marufin (Recitation of Famous Reciters)*, Researched by Ahmad Jenayi, Beirut: n.pub. [in Arabic]
- Ashari, Abu al-Hasan. 1980. *Maghalat al-Eslamiyin wa Ekhtelaf al-Mosallin (Islamists' Statements and difference Between Worshipers)*, Wiesbaden: France Steiner.
- Bokhari, Mohammad ibn Esmail. n.d. *Al-Tarikh al-Kabir (Great History)*, Beirut: n.pub, vol. 3. [in Arabic]
- Darghotni, Abu al-Hasan. 1986. *Zekr Asma al-Tabein wa Man Badahom Memman Sahhat Rewayatoh an al-Theghat end al-Bokhari wa Moslem (Mentioning the Names of the Followers and the Ones after Them Whose Narrations from the Trustworthy are Authenticated according to Bukhari and Moslem)*, Beirut" Cultural Books Institute, vol. 2. [in Arabic]
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1989. *Ketab al-Ayn*, Qom: Dar al-Hijra Foundation, First Edition, vol. 2. [in Arabic]
- Ghazwini, Abd al-Jalil ibn Abu al-Hasan. 1980. *Al-Naghz*, Edited by Jalal al-Din Mohaddeth Ormawi, Tehran: National Works Association. [in Arabic]
- Ghorashi, Seyyed Ali Akbar. 1993. *Ghamus Quran (Glossary of Quran)*, Tehran: Islamic Book Institute, Sixth Edition. [in Farsi]
- Hojjati, Mohammad Bagher. 2011. *Pajuheshi dar Tarikh Quran Karim (Research in the History of the Holy Quran)*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office, 29th Edition. [in Farsi]
- Horr Ameli, Mohammad ibn Hasan. 2001. *Ethbat al-Hodat (Proof of Guides)*, Beirut: Scientific Foundation, First Edition. [in Arabic]

- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah*, Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Anbari, Abd al-Rahman ibn Mohammad. 2003. *Nozhat al-Olabba fi Tabaghat al-Odaba*, Beirut: Modern Library. [in Arabic]
- Ibn Dawud, Hasan ibn Ali. n.d. *Ketab al-Rejal (The Book of Men)*, Qom: Al-Sharif Al-Razi Publications, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Habban, Mohammad. 1973. *Al-Theghat (The Trustworthy)*, Heydarabad: Ottoman Encyclopedia, vol. 5 & 9. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Ahmad ibn Ali. 1907. *Tahzib al-Tahzib (Refinement of the Refinement)*, Beirut: Al-Sader Institute, vols. 1, 3, 4, 5, 11 & 12. [in Arabic]
- Ibn Jazari, Sham al-Din Mohammad. 2006. *Ghayah al-Nahayah fi Tabaghat al-Ghorra (The Final End in Reciters Classes)*, Beirut: Scientific Books Institute, vols. 1 & 2. [in Arabic]
- Ibn Manzpur, Muhammad ibn Mukarram. 1993. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Beirut: Al-Sader Institute, Third Edition, vol. 8. [in Arabic]
- Ibn Mojahed, Ahmad ibn Musa. 1972. *Al-Sab'ah fi al-Gheraat (The Seven in Recitations)*, Researched by D. Shoghi Zayf, Egypt: Encyclopedia, vol. 1. [in Arabic]
- Ibn Sa'd. n.d. *Tabaghat al-Kobra*, Beirut: Al-Sader Institute, vols. 5 & 7. [in Arabic]
- Jafariyan, Rasul. 2007. *Tarikh Tashayyu' dar Iran az Aghaz Ta Tolu' Dolat Safawi (History of Shiism in Iran from the Beginning to the Advent of the Safavid State)*, Qom: Ansarian Institute, vols. 1 & 2. [in Farsi]
- Jawedan, Mohammad. 2015. *Ma'aref Kalami Shia: Kolliyat Emamt (Mana wa Mabnay Tashayyu) (Shiite Theological Teachings: Generalities of Imamate (Meaning and Basis of Shiism))*, Qom: University of Religions and Denominations, and Tehran: The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT). [in Farsi]
- Khatib Baghdadi, Abi Bakr Ahmad ibn Ali. 1996. *Tarikh Baghdad (History of Baghdad)*, Researched by Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books Institute, vol. 8. [in Arabic]
- Khoyi, Abu al-Ghasem. 2011. *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Explanation of the Interpretation of the Qur'an)*, Tehran: Khorsandi. [in Arabic]
- Loghawi, Abd al-Wahed ibn Ali. 2009. *Marateb al-Nahwiyyin*, Edited by Mohammad Abolfazl, Sidon: Modern Library. [in Arabic]

- Marefat, Mohammad Hadi. 2001. *Tafsir wa Mofasseran (Exegesis and Exegetes)*, Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute, vol. 1. [in Farsi]
- Marefat, Mohammad Hadi. 2007. *Al-Tamhid fi Olum al-Quran (Introduction to Quranic Sciences)*, Qom: Al-Tamhid Publishing Cultural Institute, vol. 2. [in Farsi]
- Mezzi, Jamal al-Din. 1980. *Tahzib al-Kamal fi Asma al-Rejal*, Researched by Bashar Maruf, Beirut: Al-Resala Institute, vol. 33. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1985. *Al-Fosul al-Mokhtarah men al-Oyun wa al-Mahasen*, Beirut: n.pub. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1993. *Awael al-Maghalat (Primary Statements)*, Beirut: n.pub. [in Arabic]
- Neyshaburi, Moslem. 1955. *Sahaih Moslem*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, vol. 3. [in Arabic]
- Pakatchi, Ahmad. 1989. *Daerah al-Maaref Bozorg Eslami (The Great Islamic Encyclopedia)*, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. [in Farsi]
- Ragheb Esfahani, Hoseyn ibn Mohammad. 1997. *Al-Mofradat fi Gharib al-Quran (Glossary of Quranic Terms)*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Razi, Ibn Abi Hatam ibn Hamdan. 2015. *Ketab al-Zinah (Book of Adornment)*, Researched by Said al-Ghanemi, Beirut: Al-Jamal, vol. 3. [in Arabic]
- Sadr, Seyyed Hasan. 1997. *Tasis al-Shia le Olum al-Eslam (Establishment of Shiism for the Sciences of Islam)*, n.p: Alami. [in Farsi]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. 1986. *Al-Melal wa al-Nehal*, Researched Mohammad Badran, Qom: Sharif al-Razi, Third Edition, vol. 1. [in Arabic]
- Shams, Mohammad Jawad. 2018. *Daerah al-Maaref Bozorg Eslami (The Great Islamic Encyclopedia)*, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. [in Farsi]
- Sheybi, Kamel Mostafa. 1982. *Al-Selah bayn al-Tasawwuf wa al-Tashayyu (Relationship between Sufism and Shiism)*, Beirut: Al-Andalus Institute, Third Edition, vol. 1. [in Arabic]
- Shushtari, Ghazi Nurollah. 1999. *Majales al-Momenin (Meetings of the Believers)*, Tehran: Islamiyah, vol. 1. [in Arabic]

- Termezi, Abu Isa. 1955. *Sunan Termezi*, Cairo: Hadith Institute, vol. 5. [in Arabic]
- Toreyhi, Fakhr al-Din. 1997. *Majma al-Bahrayn (The Union of the Two Seas)*, Tehran: Mortazawi Bookstore, vol. 4. [in Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1994. *Rejal al-Tusi*, Researched by Jawad al-Ghayyumi al-Esfahani, Qom: Islamic Publications Office Affiliated with Teachers Association, vol. 1. [in Arabic]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1995. *Marefah al-Ghorra al-Kebar ala Tabaghat wa al-Asar (Recognition of the Great Reciters Based on Classes and Ages)*, Researched by D. Tayyar Alati Ghulaj, Istanbul: n.pub, vol. 1. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din. 1985. *Tarikh al-Eslam (History of Islam)*, Researched by Abd al-Salam Tadmori, Tripoli: n.pub, vol. 10. [in Arabic]
- Zahabi, Shams al-Din. n.d. *Seyr A'lam al-Nobala (The Lives of Noble Figures)*, n.p: Letter Edition, vol. 4. [in Arabic]